



## ۱- مقدمه

که می‌دانیم کشور ایران نیز در این زمینه دارای مشکلات خاصی است. در واقع یکی از خصوصیات ساخت اقتصادی اجتماعی ایران این است که یک منطقه یا چند منطقه کشور توسعه یافته و بقیه مناطق کشور از مسئله توسعه نیافتگی رنج می‌برند. از جمله مهم‌ترین این مناطق که دارای محرومیت و توسعه نیافته‌اند، مناطق مرزی کشور می‌باشند که به‌رغم توانمندی‌های گسترده هنوز دارای محرومیت هستند. به طوری که نتایج بیانگر آن است درجه توسعه یافتگی در مناطق مرزی ۵۷٪ و مناطق مرکزی ۱۶۹٪ می‌باشد و نابرابری‌های منطقه‌ای میان مناطق مرزی و مرکزی بسیار بالا بوده و این نسبت معادل ۱/۶ است. در واقع می‌توان گفت مناطق مرکزی در ایران حدود ۳ برابر بیشتر از مناطق مرزی توسعه یافته‌تر است. همچنین میزان نابرابری‌های درون منطقه‌ای مناطق مرزی ۱/۸ و مناطق مرکزی ۱/۴۳ می‌باشد که این رقم بیانگر نابرابری و عدم تجانس و واگرایی بین استان‌های کشور است (ابراهیم‌زاده و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۸). بنابراین بدیهی است در کشوری همچون جمهوری اسلامی ایران که دارای ۸۵۷۴ کیلومتر مرز می‌باشد (نامی محمدحسن، حیدری پور، ۱۳۹۰: ۱) و با وجود کشورهای همسایه که اغلب آن‌ها دچار ضعف و بی‌ثباتی هستند لزوم توجه تنگاتنگ با مسئله آمایش سرزمین و رسیدن به توسعه در مناطق مرزی با در نظر داشتن ابعاد امنیتی امری بسیار اساسی و ضروری است. در این بین ناحیه ارومیه - سلماس با دارا بودن موقعیت مرزی و ارتباطی مهم بین شرق و غرب و وجود توانمندی‌های طبیعی و اکولوژیکی فراوان دارای توانمندی‌های زیادی جهت توسعه است که به علت دوری از مرکز و عدم برنامه‌ریزی مناسب و شرایط هشت سال جنگ تحمیلی، بحران‌های کشورهای همسایه چون عراق، آذربایجان و درگیری‌های قومی در ترکیه موجب ناامنی مرزهای جغرافیایی ناحیه ارومیه - سلماس شده و از نظر توسعه یافتگی آن را در رتبه‌های آخر نواحی کشور قرار داده است. به طوری که در بین ۳۳۶ شهرستان، ارومیه در رتبه ۱۰۳ و سلماس در رتبه ۲۸۰ از لحاظ درجه توسعه یافتگی

توسعه تنها یک پدیده اقتصادی نیست، بلکه فرایندی چندبعدی شامل سازمان‌دهی مجدد و جهت‌دهی اقتصاد و سیستم‌های اجتماعی است و همچنین به دنبال افزایش درآمد و بازدهی جامعه می‌باشد. توسعه اصولاً شامل تغییرات بنیادی در ساختارهای سازمان‌ها، جوامع و مدیریت‌ها و به همان نحو تغییرات در دیدگاه مردم و در برخی موارد سنت‌ها و عقاید نیز هست (Streetn, 1997: 56). در واقع توسعه همان رشد اقتصادی نیست، چراکه توسعه یک جریان چندبعدی است که در خود تجدید سازمانی و جهت‌گیری متفاوت کل نظام اقتصادی و اجتماعی را به همراه دارد. در معنی ساده‌تر می‌توان توسعه را رشد همراه با عدالت اجتماعی دانست (Hadder, 2003: 3). مهمتر اینکه در امر توسعه یافتگی مردمی که در مناطق پیرامونی کشورها زندگی می‌کنند به‌طور معمول از کانون توجه برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌های توسعه دور هستند. همین امر سبب می‌شود سطح توسعه اجتماعی و اقتصادی آن‌ها کاهش یابد (نودارو، ۱۳۸۷: ۲۳). این عدم توجه به نواحی پیرامونی به ویژه مناطق مرزی در طول تاریخ در روند توسعه‌ای این نواحی اختلال ایجاد کرده است و باعث کمبودهای بالقوه از جمله فقدان اشتغال، نازل بودن درآمد و عدم دسترسی به نیازهای اولیه در این نواحی استراتژیک شده و زمینه را برای معضلات و نابسامانی‌هایی چون قاچاق کالا، مهاجرت، شورش و ناامنی فراهم کرده است (ذکی، پاشالو، ۱۳۹۳: ۲).

در این بین آمایش مناطق مرزی به منظور توسعه همه‌جانبه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از نظر ساختار فضای مناطق مرزی علاوه بر ویژگی‌های دوری از مرکز، دارای ویژگی‌های کالبدی خاص مناطق مرزی می‌باشد که در مجموع باعث تشدید گسستگی فضایی و در نتیجه توسعه نیافتگی آن‌ها می‌شوند، بنابراین کشورهای مختلف بنا به حساسیت و دغدغه‌هایی که در زمینه بعد دفاعی نظامی و امنیتی خود دارند به بحث آمایش مناطق مرزی جهت توسعه توجه ویژه‌ای دارند (عزتی و دیگران، ۱۳۹۰: ۳). همان‌طور

کیفی از امکانات کمی خویش، در جهت آرمانی که برای خودش قائل است، به طور همه‌جانبه استفاده می‌کند. مایکل تودارو در بیان چندبعدی بودن توسعه، این پدیده را جریانی چندبعدی می‌داند، که مستلزم تجدید سازمان و جهت‌گیری مجموعه نظام اجتماعی و اقتصادی کشور است و علاوه بر بهبود وضع درآمدها و تولید آشکار، متضمن تغییرات بنیادی در ساخت‌های اجتماعی، نهادی و اداری و نیز طرز تلقی عامه و در بیشتر موارد، حتی آداب و رسوم و اعتقادات است (میسرا، آریبی، ۱۳۹۲: ۱۶).

## ۲-۲- آمایش سرزمین و توسعه مناطق مرزی

آمایش مناطق مرزی نوعی برنامه‌ریزی است که توسعه را با امنیت و دفاع، از نیازهای مناطق مرزی، در چارچوب شرایطی که مناطق مرزی دارند، به یکدیگر پیوند می‌دهد و راهکارهای برای توسعه مناطق مرزی معرفی می‌کند که در آن امنیت و توسعه لازم و ملزوم یکدیگر می‌شود (عندلیب، ۱۳۸۰: ۱۴).

بنابراین گرچه آمایش مناطق مرزی یک نوع فن برنامه‌ریزی است، اما خود بر پایه‌های نظری و متدولوژی علمی خاصی متکی است که ضمن تحلیل و تفسیر شرایط و ویژگی‌های مناطق مرزی، موانع توسعه و امنیت را توأمان در نظر گرفته و برای آن‌ها راه‌حل‌های یکپارچه ارائه می‌دهد تا اهداف توسعه و امنیت در مناطق مرزی را بر یکدیگر منطبق سازد. بنابراین می‌توان آمایش را نوعی برنامه‌ریزی راهبردی - فضایی و «آمایش مناطق مرزی» را نوعی برنامه‌ریزی راهبردی در فضاهای مرزی کشورها دانست (عزتی و دیگران، ۱۳۹۰: ۷).

## ۲-۲-۱- مفهوم استنباطی مرز و منطقه مرزی از دیدگاه آمایش سرزمین

بر اساس آنچه اشاره شد اصول چارچوب نظری آمایش مناطق مرزی با تأکید بر توسعه، امنیت، و دفاع برپایه مباحث نظری و تجربی در مطالعات جهانی به شرح زیر ارائه می‌گردد:

قرار دارند (تقوایی و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۶۱). این امر باعث شده از نظر شاخص‌های برخورداری نسبت به نواحی دیگر در سطح پایینی قرار بگیرند و نابرابری‌های فضایی در آن‌ها چشمگیر باشد. بنابراین مسئله اساسی این پژوهش ارائه استراتژی‌هایی متناسب با توان‌های اقتصادی، اجتماعی، و طبیعی منطقه جهت ایجاد عدالت سرزمینی و توسعه پایدار برای ارتقای ناحیه مرزی ارومیه . سلماس می‌باشد.

## ۲- مبانی نظری و پیشینه تحقیق

### ۲-۱- توسعه

مایکل تودارو<sup>۱</sup> عنوان می‌کند که توسعه را باید جریانی چندبعدی دانست که مستلزم تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، طرز تلقی عامه مردم و نهادهای ملی و نیز تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه‌کن کردن فقر مطلق است. توسعه در اصل باید نشان دهد که مجموعه نظام اجتماعی، هماهنگ با نیازهای متنوع اساسی و خواسته‌های افراد و گروه‌های اجتماعی در داخل نظام، از حالت نامطلوب زندگی گذشته خارج شده و به سوی وضع یا حالتی از زندگی که از نظر مادی و معنوی بهتر است، سوق می‌یابد (تودارو، ۱۳۷۸: ۱۳۵).

به واقع برای تعریف توسعه باید دید که این اصطلاح بر چه شاخص‌ها و ویژگی‌هایی دلالت می‌کند. طبیعی است که این شاخص‌ها برحسب اینکه از چه منظری - مثلاً اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی - به توسعه نگریسته شود متفاوت خواهد بود. در سطح عمومی و مشترک، اکثر مشخصه‌هایی که پیرامون مفهوم توسعه می‌توان برشمرد، آنچه ذیل سه مفهوم پیشرفت، تکامل و نوسازی آورده می‌شود یکسان است. همه این واژه‌ها را توصیف می‌کنند که بر گذار از مرحله فرودین به مرحله فرازین دلالت دارد.

در واقع توسعه به معنای فرایندی چندبعدی، که همه ابعاد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی را پوشش می‌دهد، نشان‌دهنده یک حالت است؛ یعنی شرایطی که جامعه به طور

استعدادهای بالقوه توأم با مسائل اجتماعی - اقتصادی خاص خود را جدای از سایر مناطق مورد توجه قرار می‌دهد و از این لحاظ مناطق مرزی هم به‌عنوان یک منطقه نیازمند برنامه‌ریزی، مورد توجه قرار می‌گیرد.

۶- بطور کلی می‌توان گفت آمایش مناطق مرزی، بهره‌برداری مطلوب از کلیه امکانات انسانی و فضایی این مناطق در جهت بهبود وضع مادی و معنوی جامعه به دنبال تبیین مبانی نظری سازماندهی مطلوب فضایی پایدار انسان، سرزمین و فعالیت‌های انسانی در مناطق مرزی با توجه به ویژگی‌های این مناطق در چارچوب طرح آمایش سرزمین و تحقق توسعه و امنیت ملی است.

### ۲-۳- نظریه‌های توسعه منطقه‌ای و مرز

با توجه به بررسی مطالعات انجام شده در این حوزه می‌توان گفت که در ارتباط با توسعه مناطق مرزی نظریه‌های مختلفی از قبیل نظریه مکان مرکزی کریستالر، نظریه قطب رشد، نظریه مرکز رشد، نظریه مرکز پیرامون، نظریه برگشت مرکز به کار گرفته می‌شوند که هر کدام با توجه به شرایط و اصول خاصی طراحی شده‌اند و در سطوح خاصی کاربرد دارند. بنابراین در اینجا تلاش شده است تا با تحلیل این نظریات در ارتباط با مرز پرداخته شود که نتایج به قرار زیر هستند:

بطور کلی می‌توان گفت پژوهش‌های انجام شده در ارتباط با مناطق مرزی برای اولین بار ریشه در تفکرات نظریه‌های مکان مرکزی، به‌ویژه والتر کریستالر<sup>۱</sup> (۱۹۳۳) دارد، به‌واقع او سعی داشت علت عدم تعادل‌های منطقه‌ای را در میان مناطق مرکزی و مناطق مرزی تجزیه تحلیل کند (معطوف، ۱۳۸۱: ۴۷۶).

بعدها کسانی با پایه قرار دادن مطالعات کریستالر، سعی کردند تعادل‌های منطقه‌ای در مناطق مرزی را مورد توجه قرار دهند، که عبارت‌اند از:

«نیلز هانسن»<sup>۲</sup> در سال ۱۹۷۸، پس از انجام مطالعات میدانی گسترده‌ای در مرزهای کشورهای آلمان، فرانسه و

۱- نخست آنکه دو مقوله «امنیت» و «توسعه» به‌ویژه در ارتباط با مناطق مرزی، لازم و ملزوم یکدیگر بوده و توسعه در مناطق مرزی نقش تعیین‌کننده‌ای در فرایند تحقق امنیت فراگیر در کل جامعه دارد. از سوی دیگر تحقق رابطه منطقی میان امنیت و توسعه در مناطق مرزی، مستلزم توجه خاص و جامع‌نگر به مؤلفه‌های توسعه‌ای مؤثر بر امنیت و مؤلفه‌های امنیتی بر توسعه می‌باشد. چنین ارتباطی مستلزم برخورداری از دیدگاهی منسجم و نظام‌مند میان این دو مقوله بوده و در نتیجه عدم تعادل منطقه‌ای فضایی میان مناطق مرکزی و مرزی منجر به کاهش امنیت مطلوب در مناطق مرزی می‌گردد.

۲- برنامه‌ریزی توسعه‌ای در مناطق مرزی مستلزم توجه به سطوح محلی و منطقه‌ای، ملی، فراملی، و جهانی امنیت بوده و هرگونه برنامه‌ریزی توسعه‌ای در مناطق مرزی، مستلزم تأمین زیرساخت‌های امنیتی لازم (تأسیسات دوماظوره نظامی و عمرانی) متناسب با مقتضیات زمانی و مکانی می‌باشد.

۳- میان «سلسله‌مراتب توسعه‌ای» و «سلسله‌مراتب امنیتی» مناطق مرکزی و مناطق مرزی، رابطه‌ای متقابل وجود دارد. برقراری چنین رابطه‌ای موجبات تحقق «تعادل توسعه‌ای» و «تعادل امنیتی» را فراهم می‌آورد. از این جهت توسعه در مناطق مرزی توجه به ابعاد فیزیکی و غیر فیزیکی (ذهنی) مرز را می‌طلبد (عتدلیب، ۱۳۸۰: ۱۸۷).

۴- براساس تقسیم‌بندی مناطق برنامه‌ریزی، مناطق مرزی جزء مناطق دارای منابع و مناطق دارای مسائل ویژه می‌باشند که به نگرش توسعه‌ای خاصی نیاز دارند.

۵- بر اساس این دیدگاه، مناطق مرزی به دلیل دورافتادگی از مناطق هسته‌ای، شرایط جغرافیایی ویژه، اقتصاد ویژه، حمل‌ونقل نامناسب و ... از لحاظ توسعه‌یافتگی با مشکلات زیادی مواجه می‌باشند هرچند که با منطقه‌ای کردن و برنامه‌ریزی‌های مربوط به آن می‌توان شکاف میان برنامه‌ریزی در سطح ملی و محلی را پر کرد و در حقیقت به یک برنامه‌ریزی در سطحی میانه رسید، اما باید گفت که حسن این نظریه آن است که مناطق دارای ویژگی‌ها و

۱- لاغ ققعم لاف لاغ بلاغ م قع س ۱-

۲- لاغ لکعت لاغ قفح ۲-

جدول ۱: تحلیل مفهوم استنباطی مرز از دیدگاه‌های مختلف

<p>۱- عامل مشخص‌کننده مرز مناطق، بهره‌برداری از خدمات و سرمایه‌گذاری در آن حوزه است                  ۲- محل تلاقی مرزها در این نظریه از توانایی انتخاب برخوردارند که به کدام مرکز وابسته باشند و امکانات دریافت کنند.                  ۳- موانع طبیعی و انسانی باعث ایجاد شکاف در نظام فضایی سلسله مراتبی حوزه‌های نفوذ پیوسته می‌شود.                  ۴- در این نظریه یک سلسله‌مراتب مرزبندی در مناطق تقاطع حوزه‌های نفوذ مکان‌های مرکز وجود دارد.</p>	<p>مرز در نظریه مکان مرکزی کریستالر</p>
<p>۱- در نظریه قطب رشد مفهوم مرز به دورترین نقطه‌ای گفته می‌شود که اثرات توسعه‌ای قطب به آنجا می‌رسد. بطوریکه مرز محلی است که از اثرات توسعه‌ای قطب رشد کمترین بهره‌مندی را دارد، و بیشتر به این دلیل است که این مناطق به صورت محروم و عقب‌مانده می‌باشند.                  ۲- با توجه به این‌که بنیان این نظریه بر توسعه صنعتی و سرمایه‌گذاری کلان صنعتی استوار است و این امر نیازمند وجود شرایطی است که بیشتر در مناطق مرکزی مهیا می‌شود. بنابراین قطب‌های رشد توسعه‌یافته و توسعه‌ی مناطق مرزها متأثر از توسعه قطب رشد است که با تأخیر صورت می‌گیرد.                  ۳- تأکید بر قطبی بودن توسعه به این مفهوم است که هر قطب، سلسله مراتبی از مرزبندی را از طریق حوزه نفوذ و حیطه جغرافیایی خود به صورت امواج پی‌درپی مشخص می‌سازد. بر این اساس به میزان قوت قطب رشد، حیطه این مرزبندی‌ها نیز گسترش می‌یابد. اما مرزهای سیاسی مانع عبور تأثیرات قطب رشد به کشور مجاور می‌شود.</p>	<p>مرز در نظریه قطب رشد</p>
<p>۱- در این نظریه تعدیل شدن مفهوم قطب رشد مدنظر می‌باشد. تفاوت و تضاد بین مناطق مرکزی و مرزی کاهش می‌یابد.                  ۲- در تئوری مرکز رشد به علت افزایش تعداد مراکز رشد مرزها نیز متعدد شده و نزدیکی و اختلاط بیشتر به وجود می‌آید که این امر باعث کاهش فاصله بین مرکز و مرز می‌شود و فرایند توسعه‌یافتگی با سرعت بیشتری در مناطق مرزی رخ می‌دهد و باعث کاهش محرومیت و عقب‌ماندگی این مناطق خواهد شد.                  ۳- سرمایه‌گذاری در این نظریه تنها اختصاص به مناطق مرکزی ندارد. بنابراین توسعه متعادل‌تر و روند آن‌هم جنبه تر و دارای تأثیر بیشتر بر تمام مناطق است.</p>	<p>مرز در نظریه مرکز رشد</p>
<p>۱- در این نظریه بین مرکز هر منطقه با مناطق مرزی (پیرامونی) تفاوت بسیار زیاد است، و این امر باعث تشدید منافع بین آن‌ها می‌شود                  ۲- در نظریه مرکز پیرامون مرزها به علت قرار گرفتن در مناطق پیرامونی کمتر مورد توجه قرار می‌گیرند و در نتیجه‌ی این بی‌توجهی حداقل منابع موجود این مناطق نیز به سوی مناطق مرکزی تمایل می‌یابند                  ۳- با توجه به فاصله بین مناطق مرکزی، پیرامونی این مناطق عقب‌مانده‌تر و فرایند توسعه کندتر صورت می‌گیرد                  ۴- به دلیل تأکید بر تمرکز همه منابع قابل بهره‌برداری در مرکز منطقه، در واقع یک خط مرزی ذهنی و درعین‌حال قابل لمس میان مرکز و پیرامون ترسیم می‌شود. بدین جهت خط مرزی این دو بسیار شفاف و قابل تشخیص است (عندلیب، ۱۳۸۰، ۳۰).</p>	<p>مرز در نظریه مرکز پیرامون</p>
<p>۱- بر اساس این نظریه مناطق مرزی یا دورافتاده محروم‌تر و توسعه‌نیافته‌ترند و این ایده وجود دارد که به دنبال توسعه مناطق مرکزی برگشت مرکز                  ۲- اساس این نظریه بر سیاست‌گذاری منطقه‌ای در جهت هدایت توسعه از مرکز به مناطق پیرامونی است</p>	<p>مرز در نظریه برگشت مرکز</p>

مأخذ: مطالعات نگارندگان

والد<sup>۱</sup> مقاله‌ی تحقیقی خود را در تحلیل تغییرات فضایی ساختاری در مرز پیشین دویاره‌ی آلمان پس از برقراری مرز و برداشتن موانع مرزی نوشتند. در این مقاله، پس از انجام مطالعات نظری و تکیه بر نظریه‌های مکان مرکزی و قطب رشد و نیز انجام مطالعات موردی در منطقه مرزی مورد بحث به نقد این نظریات پرداخته و خصوصیات برای مناطق مرزی استخراج کردند، به عقیده‌ی این دو، مناطق مرزی به‌عنوان مناطق حاشیه‌ای و توسعه‌نیافته شناخته می‌شوند، این حاشیه‌ای بودن گرچه می‌تواند معلول شرایط جغرافیایی مناطق مرزی باشد اما خود پدیده‌ی مرزی بودن،

سوئیس، ویژگی‌های مناطق مرزی را مورد توجه قرار داده و آن‌ها را بر اساس نظریه‌های مکان مرکزی «کریستالر» و قطب رشد «پرو» تجزیه و تحلیل کرد. وی در مطالعات خود به نکات مثبت و منفی مناطق مرزی و تحلیل آن‌ها از دیدگاه «کریستالر»، «لوش»، «ژاندارم»، «بودویل»، «اوربان» و «پرو» می‌پردازد. او نکات مثبت مرزها را که در کنار مرزهای سیاسی باثبات قابل‌تصورند، عبارت از توسعه‌ی فعالیت‌های تجاری و فرهنگی مرزی که شعاع نفوذی در کشور مجاور پیدا می‌کنند، و درآمدهای حاصل از دریافت عوارض، برمی‌شمارد (عندلیب، ۱۳۸۰: ۳۷-۳۹).

سپس کسان دیگری از قبیل «فیلیپ جونز» و «تریوور



نگاره ۱: موقعیت ناحیه ارومیه . سلماس

مأخذ: نگارندگان

### ۳- روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف با توجه به اهداف تحقیق و مؤلفه‌های مورد بررسی توسعه‌ای-کاربردی و رویکرد حاکم بر فضای تحقیق از لحاظ روش «توصیفی . تحلیلی و اکتشافی» است. در این تحقیق برای جمع‌آوری داده‌های تحقیق به صورت توأمان از روش‌های کتابخانه‌ای و میدانی استفاده شده است. در ادامه جهت شناخت ابعاد توسعه مناطق مرزی و شناخت بهتر پتانسیل‌های منطقه و همچنین وزن دهی و رتبه‌بندی استراتژی‌ها از یک جامعه آماری شامل متخصصین و صاحب‌نظران در زمینه برنامه‌ریزی و توسعه مناطق مرزی که از طریق روش نمونه‌گیری هدفمند از ۳۰ نفر خبره در الگوی تحلیلی سوات استفاده شده است. سپس براساس مدل **دجیتر** جایگاه ناحیه مرزی مورد مطالعه از نظر توسعه یافتگی مشخص شده است.

در ادامه با استفاده از ابزارهای **دذخد** و **قغعوب** محاسبات آماری صورت گرفته و وضعیت بازارچه‌های این منطقه مشخص گردیده. در آخر طبق الگوی تحلیلی **رحسذ** با تکیه بر مطالب جمع‌آوری شده، به تدوین استراتژی‌های آمایشی مناسب جهت توسعه ناحیه مرزی مورد نظر پرداخته شده است و با استفاده از روش **چخذذ** نیز استراتژی‌های

بسیاری از امکانات و قابلیت‌های آن منطقه را مضمحل می‌سازد. آنان معتقدند که با برقراری مرزی بین دو کشور، فضاهایی که به‌طور اصولی به یکدیگر متصل‌اند و تداوم فضایی را تأمین می‌کنند از یکدیگر می‌گسلند و حاشیه‌ای می‌شوند، این حاشیه‌ای بودن علت عقب‌ماندگی این نواحی است (عندلیب، ۱۳۸۰: ۴۰). سپس در همین زمینه پتراکاس و اکانوا<sup>۱</sup> (۲۰۰۲)، آرکوت و اورزن<sup>۲</sup> (۲۰۰۳)، به مطالعه در زمینه توسعه مناطق مرزی در اتحادیه اروپا پرداختند و به این نتایج دست یافتند که توسعه مناطق مرزی تنها از طریق به‌کارگیری سیاست‌های گسترش همکاری‌های بین‌المللی و روابط بین مرزی و برقراری امنیت در مرزها امکان‌پذیر است (موسوی، ۱۳۸۱: ۱۴-۸). همچنین نیپور<sup>۳</sup> (۲۰۰۵) در مقاله‌ای تحت عنوان اثرات رشد در اتحادیه اروپا بر توسعه اقتصادی شهرهای مناطق مرزی این کشورها به این نتیجه رسید که اثرات یکپارچگی و تغییرات در دسترسی به بازار، نقش اساسی در توسعه این شهرها داشته است. به صورتی که اثرات آن از تئوری‌های پیش‌بینی شده بیشتر بوده است (Niebuhr, 2005; 28).

۱- نکوعقا، عکع لعقع لامخ-۱

۲- کهلان، عکع منقود-۲

۳- لامککفح-۳





نگاره (۲): سطح‌بندی استان‌های کشور با استفاده از مدل ویکور  
منبع: محاسبات نگارندگان

انتخاب شده اولویت‌بندی شده‌اند.

و کیفی شاخص‌های گوناگون در وضع موجود بر پایه قابلیت‌های بنیادین آن‌ها می‌توان به چشم‌انداز روشنی امیدوار بود. بنابراین طبق مطالعات انجام شده توسط نگارندگان (نگاره شماره ۲) که براساس تکنیک **دجیتر** انجام شده است (پرنیان، ۱۳۹۴، ص ۱۳۵-۱۴۶) و سایر پژوهش‌های انجام شده در این زمینه، نتایج بیانگر این است که مناطق مرزی ایران از جمله آذربایجان غربی دارای وضع خوبی در توسعه نیستند. این امر در حالی است که حتی در استان هم این نابرابری بین مناطق مرزی و مرکزی وجود دارد. همانطور که در نگاره شماره ۳ مشاهده می‌شود بیشتر شهرستان‌های برخوردار استان داخلی هستند و در مقابل شهرستان‌های مرزی دارای محرومیت بیشتری هستند (پرنیان، ۱۳۹۴، ص ۱۴۷-۱۶۹).

#### ۴- معرفی منطقه

ناحیه ارومیه .سلماس با وسعتی حدود ۷۸۶۵ کیلومترمربع در استان آذربایجان غربی در حدفاصل شهرستان‌های خوی در شمال و شهرستان اشنویه در جنوب واقع شده و شامل شهرستان‌های ارومیه و سلماس می‌گردد. این ناحیه از غرب به کشور ترکیه و عراق محدود می‌شود و دریاچه ارومیه در شرق آن واقع شده است.

ناحیه ارومیه- سلماس در تقسیمات طرح کالبدی ملی یکی از نواحی چهارگانه استان آذربایجان غربی می‌باشد که در بخش میانی آن واقع شده و حدود ۲۰/۷ درصد از سطح استان را به خود اختصاص داده است. (گزارش اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی استان، ۱۳۹۱:۳).

#### ۵-۲- ظرفیت‌های توسعه ناحیه ارومیه- سلماس (استان آذربایجان غربی)

ناحیه ارومیه . سلماس دارای ظرفیت‌های متنوعی از قبیل وجود منابع کشاورزی و پتانسیل‌های گردشگری ذخایر معدنی، نیروی انسانی متخصص و... است. البته می‌توان گفت که از مهمترین توان‌های بالقوه ناحیه با موقعیت جغرافیایی آن پیوند خورده است. وجود این موقعیت ویژه

#### ۵- یافته‌های پژوهش

#### ۵-۱- جایگاه منطقه مرزی استان آذربایجان غربی در توسعه

بررسی و تحلیل جایگاه نواحی مختلف به‌ویژه تفاوت بین مناطق مرزی و مناطق مرکزی کشور از لحاظ توسعه به‌عنوان مبنایی برای برنامه‌ریزی‌های آتی این مناطق دارای اهمیت بسزایی است. چراکه تنها با تعیین وضعیت کمی

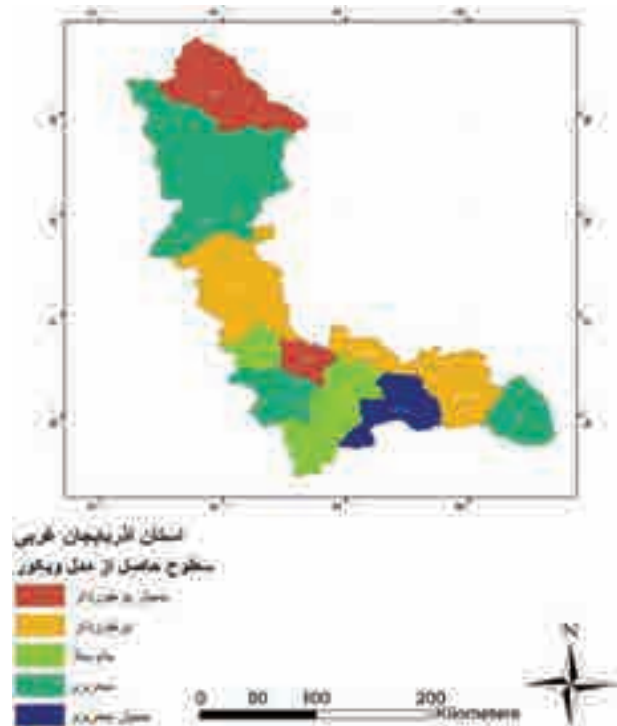
برخوردار نیست. مطابق جداول شماره (۲) و (۳) مشاهده می‌شود که در زمینه صادرات تنها گمرک ارومیه است که با رتبه ۲۶ در سطح کشور و رتبه ۱ در سطح استان از جایگاه بهتری برخوردار است. در مقابل، سایر گمرکات و بازارچه‌های مرزی استان در رده‌های انتهایی جدول در امر صادرات قرار دارند. در زمینه واردات نیز تنها گمرک بازرگان است که با رتبه ۱۶ در سطح کشور و رتبه ۱ در سطح استان از وضعیت مناسبی برخوردار است. در مقابل سایر گمرکات و بازارچه‌های مرزی استان در رده‌های میانی جدول قرار دارند. نکته مهم دیگری که با توجه به آمارهای صادرات و واردات در سطح استان دیده می‌شود این است که جایگاه گمرکات و بازارچه‌های مرزی استان در زمینه واردات بهتر است که نیازمند توجه بیشتر در امر صادرات و بالا رفتن جایگاه استان در این زمینه می‌باشد.

علاوه بر موارد بالا، نکته دیگری که حائز اهمیت است این است که میزان صادرات و واردات از طریق بازارچه‌های مرزی کمتر از گمرکات استان است که به همین علت نقش و جایگاه بازارچه‌های مرزی در مبادلات و توسعه اقتصادی نیازمند توجه بیشتر است.

با توجه به این‌که در تحقیق حاضر تأکید اصلی بر ناحیه ارومیه - سلماس است، نشان می‌دهد که این ناحیه با قرارگیری در مرز کشور ترکیه که به‌عنوان دروازه اروپا برای ایران محسوب می‌گردد تنها دارای یک گمرک و یک بازارچه است که با توجه به نتایج به‌دست‌آمده گمرک ارومیه در سطح کشور در زمینه صادرات با رتبه ۲۶ و در استان با رتبه ۱ دارای جایگاه مناسب در سطح استان و نیازمند توجه در سطح کشور می‌باشد و همچنین بازارچه مرزی سرو که تنها بازارچه این منطقه است در رتبه ۶۱ کشور و رتبه ۴ استان قرار دارد.

در مقابل در زمینه واردات گمرک ارومیه با رتبه ۳۳ در کشور و رتبه ۲ در سطح استان قرار دارد و همچنین بازارچه مرزی سرو با رتبه ۴۱ در سطح کشور و در رتبه ۳ در سطح استان قرار دارد.

در امتداد مرز مشترک با کشور ترکیه زمینه‌های توسعه بازرگانی را فراهم کرده است. توسعه فعالیت‌های صادراتی با توجه به ظرفیت‌های تولید بخش‌های کشاورزی، معدن صنعت ناحیه از قابلیت‌هایی برخوردار است که می‌تواند این ناحیه را در مرکز استان در موقعیتی فعال از نظر پیوند اقتصاد منطقه‌ای و ملی با آن‌سوی مرزها قرار دهد.



نگاره (۳): سطح‌بندی شهرستان‌های استان با استفاده از

#### تکنیک HDI

منبع: محاسبات نگارندگان

در همین زمینه لازم است تا به صورت دقیق‌تر به نحوه بهره‌برداری از مرز و جایگاه بازارچه‌های مرزی این ناحیه پرداخته شود که به قرار زیر می‌باشد.

#### ۵-۲-۱- عملکرد گمرکات و بازارچه‌های مرزی

##### استان آذربایجان غربی

با توجه به مطالعات صورت گرفته ملاحظه می‌گردد که استان آذربایجان غربی با توجه به پتانسیل‌های موجود در زمینه صادرات و واردات در سطح کشور از جایگاه مناسبی



جدول ۲: آمار سرجمع صادرات از طریق گمرکات (سال ۱۳۹۲)

رتبه در استان	رتبه در کشور	ارزش دلاری	ارزش ریالی	گمرک/ بازارچه مرزی
۱۲	۱۲۲	۱۴۲۱۰۰/۰۰	۳۵۲۰۴۲۱۳۶/۰۰	گمرک پلدشت
۲	۲۸	۲۱۴۹۵۸۵۱۹/۱۰	۵۳۴۸۲۹۹۸۳۴۷۹۲/۰۰	گمرک پیرانشهر
۱	۲۶	۲۵۷۵۲۲۷۰/۲۳	۶۴۰۰۳۴۸۹۹۴۱۹۳/۳۳	گمرک ارومیه
۳	۶۰	۴۳۱۲۹۴۳۰/۸۹	۱۰۷۲۱۶۵۱۰۲۹۱۹/۰۰	گمرک بازرگان
۸	۱۰۳	۲۹۷۳۹۴۷/۳۸	۷۳۹۰۱۲۴۰۷۳۵/۰۰	گمرک سردشت
۵	۶۳	۴۰۰۳۱۸۵۴/۴۱	۹۹۳۲۰۸۶۶۷۴۷۲/۰۰	گمرک مهاباد
۹	۱۰۷	۱۷۲۵۰۲۴/۸۰	۴۲۸۴۷۸۳۸۲۲۶/۰۰	بازارچه پیرانشهر-تمرچین
۱۰	۱۰۸	۱۴۹۲۸۴۹/۰۰	۳۳۸۴۹۸۴۱۹۹۴/۰۰	بازارچه رازی-خوی
۱۱	۱۱۰	۱۲۳۴۰۴۰/۷۸	۳۰۶۲۹۱۴۲۷۱۵/۰۰	بازارچه ساری سو
۷	۹۱	۱۰۷۳۳۷۳۷/۴۴	۲۶۶۹۶۱۴۱۴۰۰/۰۰	بازارچه صنم بلاغی
۶	۸۰	۲۲۷۰۶۸۹۸/۸۷	۵۶۵۱۹۱۲۲۷۷۴۴/۰۰	بازارچه کیله سردشت
۴	۶۱	۴۲۸۰۰۵۴۱/۹۳	۱۰۶۳۵۷۷۸۲۸۹۶۴/۵۵	بازارچه سرو

منبع: اطلاعات اداره گمرکات کشور (۱۳۹۲)

جدول ۳: آمار سرجمع واردات از طریق گمرکات شرح ذیل طی سال ۱۳۹۲

رتبه در استان	رتبه در کشور	ارزش دلاری	ارزش ریالی	گمرک/ بازارچه مرزی
۱۱	۹۰	۲۷۶۳۹/۵۱	۶۸۴۷۱۳۵۸۱/۰۰	گمرک پیرانشهر
۲	۳۳	۱۴۱۹۱۹۴۳۹/۳۸	۳۵۲۴۲۷۱۶۲۱۲۵۰/۷۹	گمرک ارومیه
۱	۱۶	۳۹۲۲۹۷۰۲۱/۴۵	۹۷۵۹۸۵۹۹۱۱۸۸۸/۰۰	گمرک بازرگان
۴	۵۶	۱۴۴۹۲۶۳۱/۶۳	۳۶۰۵۰۲۸۳۳۶۷۱/۸۲	گمرک خوی
۹	۸۷	۵۶۳۶۱/۹۶	۱۴۳۴۹۲۰۳۵۱/۳۵	گمرک رازی
۱۲	۹۲	۸۷۱۲/۰۰	۲۱۵۸۹۲۰۷۲/۰۰	گمرک سردشت
۳	۴۱	۶۶۶۴۲۲۶۰/۲۴	۱۶۵۵۷۸۵۴۱۴۵۸۱/۳۰	بازارچه سرو
۸	۷۸	۸۸۰۴۱۹/۰۹	۲۲۰۲۴۶۷۹۲۵۰/۷۰	بازارچه پیرانشهر-تمرچین
۷	۶۶	۲۹۴۶۱۰۲/۳۸	۷۳۲۲۰۵۵۵۱۴۰/۶۱	بازارچه رازی-خوی
۵	۵۸	۹۹۱۸۴۰۷/۷۲	۲۴۶۸۳۴۵۹۰۷۶۴/۰۰	بازارچه ساری سو
۱۰	۸۹	۴۲۳۱۱/۶۱	۱۰۵۴۰۲۵۱۰۳/۰۰	بازارچه سردشت
۶	۶۶	۳۰۰۳۵۴۲/۰۰	۷۰۳۴۵۸۰۳۸۵۳/۰۰	بازارچه صنم بلاغی

منبع: اطلاعات اداره گمرکات کشور (۱۳۹۲)

بازارچه‌های دیگر می‌باشد تا موجب رونق اقتصادی و توسعه منطقه گردد. نکته دیگر که در اینجا لازم است به آن توجه شود تنها برخورداری شهرستان ارومیه از گمرکات و بازارچه‌های

نتایج فوق بیانگر این است که با توجه به موقعیت ویژه ناحیه ارومیه - سلماس در سطح کشور، توجه شایانی به آن نشده به آن است و این ناحیه نیازمند توسعه گمرکات و



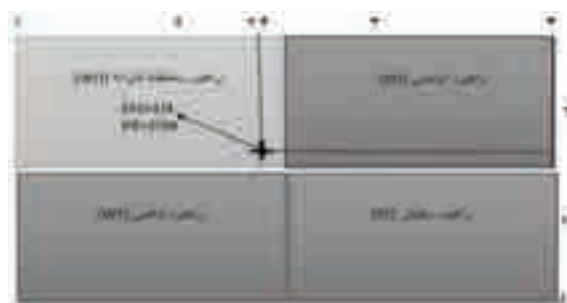
بنابراین جهت انتخاب راهبرد برتر می‌توان گفت عوامل داخلی با  $2/40$  و عوامل خارجی با  $2/58$  هستند که نقطه تلاقی آنها به عنوان گزینه برتر انتخاب شده است (نمودار ۳). پس جهت توسعه ناحیه ارومیه . سلماس با توجه به نتایج به دست آمده استراتژی محافظه کارانه **حس** بهترین راهبرد است. استراتژی محافظه کارانه راهبردهای استفاده از مزیت‌های بالقوه‌ای است که در فرصت‌های محیطی نهفته است. برای جبران نقاط ضعف موجود در سازمان یا سیستم هدف از استراتژی‌های **حس** این است که سیستم از مزیت‌هایی که در فرصت‌ها نهفته است استفاده نماید در جهت جبران ضعف. گاهی فرصت‌های بسیار مناسبی وجود دارد، ولی محیط به سبب داشتن ضعف داخلی نمی‌تواند از این فرصت‌ها بهره‌برداری نماید.

در ادامه جهت شناخت بهتر و اولویت بندی استراتژی‌های محافظه کارانه از ماتریس برنامه ریزی **چخذ** استفاده شده است که نتایج به قرار جدول شماره ۴ می‌باشد.

### منابع و مأخذ

- ۱- ابراهیم‌زاده، موسوی، کاظمی‌زاد؛ عیسی، میرنجف، شمس الله (۱۳۹۰). «تحلیل فضای نابرابری‌های منطقه‌ای میان مناطق مرزی و مرکزی ایران»، فصلنامه ژئوپلیتیک، شماره ۱ صفحات ۲۳۵-۲۱۴
- ۲- پرنیان، حاتم (۱۳۹۴). تدوین استراتژی‌های توسعه مناطق مرزی از دیدگاه آمایش سرزمین. پایان نامه کارشناسی ارشد، پردیس فارابی، دانشگاه تهران.
- ۳- تقوایی، وارثی، شیخ بیگلو؛ مسعود، حمیدرضا، رعنا (۱۳۹۰)، «تحلیل نابرابری‌های توسعه ناحیه‌ای در ایران»، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی انسانی، شماره ۷۸، صفحات ۱۶۸-۱۵۳.
- ۴- تودارو، مایکل (۱۳۷۸). توسعه اقتصادی در جهان سوم، تهران: انتشارات سازمان برنامه‌و بودجه.
- ۵- ذکی، پاشالو؛ یاشار، احمد (۱۳۹۳)، «بررسی کاربرد بازارچه‌های مرزی آذربایجان غربی»، همایش ملی مرزن‌شنی،

بنابراین می‌توان گفت این ناحیه با داشتن توانمندی‌های متعدد از قبیل وجود اقلیم مساعد، زمینه مناسب جهت توسعه کشاورزی و ظرفیت‌های ویژه دیگر از قبیل پتانسیل بالا جهت توسعه صنعت گردشگری و هم سو کردن این توانمندی‌ها جهت استفاده از موقعیت مرزی ناحیه می‌تواند امکان کاهش تهدیدات و پوشش نقاط ضعف را برای ناحیه مورد مطالعه فراهم کند. بنابراین براساس نتایج کلی به دست آمده می‌توان گفت با تدوین برنامه‌ریزی استراتژیک توسعه منطقه‌ای که خود می‌تواند به عنوان یک نوع برنامه ریزی آمایش سرزمین باشد؛ مسایل مربوط به توسعه نیافتگی و دست یابی به عدالت اجتماعی را فراهم کرد و از آن می‌توان به عنوان برنامه ای امیدوار کننده برای تحقق توسعه پایدار و تأمین امنیت در منطقه مرزی ارومیه . سلماس استفاده نمود. بدین ترتیب با استفاده از ماتریس **رچسذ** و ماتریس‌های ارزیابی عوامل داخلی و خارجی چهار گروه استراتژی با توجه به ویژگی‌های مناطق مرزی و اصول آمایش سرزمین برای ناحیه ارومیه- سلماس تحت عنوان: استراتژی تهاجمی **حذ**، محافظه کارانه **حس**، رقابتی **رذ**، و تدافعی **رس** استخراج شد که در نتیجه آن با توجه به نتایج بدست آمده در ارزیابی داخلی و خارجی، مجموع امتیاز وزنی عوامل داخلی ( $2/405$ ) کمتر از  $2/5$  بوده که نشان دهنده‌ی غلبه‌ی نقاط ضعف بر نقاط قوت در این منطقه می‌باشد. ولی در مقابل جمع امتیاز وزنی عوامل خارجی ( $2/587$ ) بیشتر از  $2/5$  بوده که نشان دهنده غلبه فرصت‌ها بر تهدیدات در این ناحیه می‌باشد.



نمودار ۳: انتخاب استراتژی برتر (ماتریس داخلی، خارجی)

مأخذ: محاسبات نگارندگان

جدول ۴: اولویت بندی راهبردها

اولویت	راهبردها	امتیاز
۱	افزایش همکاری‌های فرامنطقه‌ای با کشورهای همسایه از طریق توسعه زیرساخت‌های ارتباطی از قبیل افزایش تعداد گمرکات، توسعه حمل و نقل ریلی، هوایی و همچنین راه‌های زمینی با بالاترین امتیاز، بیان‌کننده مهمترین راهبرد آمایش منطقه مرزی ارومیه - سلماس می‌باشد.	۲/۰۸۵
۲	راهبردهای برنامه ریزی در خصوص تولید طیف وسیعی از نیازهای غذایی منطقه به منظور بهره برداری بیشتر از منابع کشاورزی ناحیه و توسعه زیرساخت‌های ارتباطی، صنایع تبدیلی، تکمیلی و بسته بندی محصولات کشاورزی در زمینه توسعه صادرات محصولات در رتبه دوم و به عنوان راهبرد جایگزین انتخاب شده است.	۲/۰۷۷
۳	بهره گیری از موقعیت منحصر بفرد مرزی این ناحیه با ایجاد مناطق آزاد تجاری و بازرچه‌های مرزی جهت توسعه تجارت و صادرات محصولات داخلی (توسعه و تجهیز بازرچه مرزی سرو و فعال نمودن بازرچه مرزی کوزه رش سلماس)	۱/۸۷۱
۴	راهبردهای افزایش تسهیلات در بخش صنعت و معدن جهت توسعه این بخش و صادرات محصولات آن به کشورهای همسایه با امتیاز	۱/۸۱۳
۵	مطالعه جهت مکانیابی امکانات لازم برای ارائه خدمات به گردشگران و ایجاد زیربنای مناسب و تسهیلات لازم برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و غیر دولتی در زمینه صنعت گردشگری جهت جذب گردشگر داخلی و خارجی	۱/۴۷۳
۶	مهار و ذخیره سازی آب‌های سطحی برای تبدیل اراضی مستعد دیم به کشت آبی و گسترش شبکه‌های آبیاری و زهکشی و روش‌های نوین کشاورزی با مشارکت بهره برداران ذینفع	۱/۲۶۹
۷	توسعه و تقویت مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای به منظور تربیت نیروهای ماهر و متخصص با توجه به نیازهای توسعه ناحیه	۰/۹۱۸
۸	استفاده از تنوع قومی، فرهنگی و سرمایه‌های اجتماعی منطقه جهت تحکیم پیوندهای ملی و منطقه‌ای و توسعه یکپارچه سرزمینی	۰/۴۵۷

مأخذ: محاسبات نگارندگان

- توسعه پایدار و فرصت‌های سرمایه‌گذاری، پارس‌آباد مغان
- ۱۰- میسرا، آرپی (۱۳۹۲)، چارچوب مکانی برنامه‌ریزی  
 ۶- عزتی، حیدری پور، اقبالی؛ نصرالله، اسفندیار، ناصر  
 (۱۳۹۰)، «نقش و جایگاه آمایش مناطق مرزی در نظام  
 برنامه‌ریزی»، مجله علمی . پژوهشی نگرش‌های نو در  
 جغرافیای انسانی، شماره ۴ صفحات ۱۸۰-۱۹۶.
- ۱۱- نامی، حیدری پور؛ محمد حسن، اسفندیار (۱۳۹۰)،  
 «الگوهای جدید برای محاسبه دقیق مساحت و طول  
 مرزهای کشور ج.ا.ایران»، فصلنامه جغرافیا (برنامه‌ریزی  
 منطقه‌ای)، شماره ۲، صفحات ۲۴۸-۲۲۹.
- ۷- عنادلیب، علیرضا (۱۳۸۰)، نظریه‌های پایه و اصول  
 آمایش مناطق مرزی جمهوری اسلامی ایران، تهران:  
 دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
- ۸- معطوف، شریف (۱۳۸۱)، «بررسی پدیده عدم تعادل‌های  
 منطقه‌ای در برابر توسعه کشور و استخراج درس‌هایی  
 از طرح توسعه شهرستان مرزی نهبندان برای استفاده در  
 تدوین برنامه چهارم توسعه کشور»، مجموعه مقالات  
 همایش چالش‌ها و چشم اندازهای توسعه ایران، تهران:  
 انتشارات شریعه توس.
- ۹- میرنجف، موسوی (۱۳۹۰). برنامه‌ریزی توسعه شهرهای  
 مرزی، مشهد، ۱۳۹۰.